

مردی که می‌تواند سلطان باشد

در مورد «ادوارد نورتن» و فیلم «امتیاز»

باشد؟ ناگهان شروع به صحبت می‌کند و این، قضیه را بدتر می‌کند، چون هم لهجه ناخوشایندی دارد و هم لکنت زبانی غیرقابل چشم‌پوشی. زن در اندیشه این است که مهربی روی برگه جوانک بزند و کار را برای امروز تعطیل کند اما برای یک لحظه نگاهش در نگاه جوان گره می‌خورد، برقی غریب و کارسماتیک که در عمق چشمان سیاه این جوان می‌درخشد، زن را چون قربانیان افعی‌های هند مسحور خود می‌نماید: «خدای من! خودش است، نه، اشتباه نکنید!»

این داستان، قسمتی از کتاب جدید «جو استرهاز» نیست، ماجرای واقعی است که در سال ۱۹۹۵ در ساختمان «گلف اندوسترون نیویورک» رخ داده است. زن، دبرا اکیلا آدم شماره ۲ کمیانی پارامونت و مسئول گزینش استعدادهای جدید بازیگری بود. نقش، آرون استمپلر شخصیت اصلی تریلر «ترس اولیه» بود و جوانک... برای حدس زدن نامش، احتیاج به IQ بالای صد ندارد... بله، ادوارد نورتن ۲۵ ساله.

نورتن با «ترس اولیه» - همانگونه که پیش‌بینی می‌شد - بدل به ستاره روز هالیوود شد و نوانست «گلدن گلاب» بهترین هنرپیشه نقش مکمل را از آن خود کند. هاورارد کوچ، تهیه‌کننده اجرایی فیلم در این باره می‌گوید: «بفای نقش فوق‌العاده نورتن در این فیلم، قبل از اکران عمومی و حتی قبل از تدوین فیلم، زبانزد اهالی هالیوود شده بود. نورتن در همان روزهای آخر

زن نگاهش را از پاشنه شکسته کفشش برداشت تا جوانی را که پیش رویش ایستاده بود، خوب برانداز کند. در نگاه اول، جوانک هیچ چیز خاصی نداشت؛ لاغر و ترکه‌ای با یک نگاه فوق‌العاده معمولی، یک آدم بیش با افتاده که می‌شد یک نگاه به سر تا پایش انداخت و بعد او را برای همیشه فراموش کرد. آیا تعمیر پاشنه شکسته کفش نازنینش مهمتر از تلف کردن وقت با این جوانک نبود؟ هوم... زن بیشتر که دقت کرد، حس کرد که این جوان باید یکی از آن فارغ‌التحصیل‌های دانشگاه ییل (Yale) باشد. احتمالاً دانشجوی تاریخ است که قسمت اعظمی از اوقات تحصیلی‌اش را در آسیا تلف کرده است. به فرم درخواست جوانک نگاه کرد؛ سابقه بازیگری دارد در برادوی و در نمایشی از ادوارد البی... آمده بود این نقش را بگیرد، شکی نداشت، دست کم دو هزار نفری برای گرفتن این نقش لعنتی دوست‌داشتنی صف کشیده بودند. قرار بود «مت دیمین» این نقش را ایفا کند اما از پیش برنیامده بود. یک شاه‌نقش، نقشی که می‌توانست از یک چهره معمولی، یک ستاره بسازد؛ قاتل خونسرد روانپزشی که می‌تواند به‌سادگی آب‌خوردن، یک وکیل حرفه‌ای و یک دادگاه ایالتی را مقهور نقش آفرینی بی‌عیب و نقص خود در قالب یک جوان معصوم فریب‌خورده نماید و حکم اعدام خویش را به برائت کامل تبدیل کند. اما آیا این جوانک اصلاً می‌توانست حتی جزء بیست کاندیدای نهایی

ادوارد نورتین و
رابرت دونیرو در
صحنه‌ای از
امنیا



فیلمبرداری، برای حضور در پروژه‌های جدید میلوش فورمن، وودی آلن و آنتونی مینگلا با این کارگردانهای بزرگ وارد مذاکره شده بود. این ملاقاتها، منجر به ثبت دو نقش درخشان در کارنامه بازیگری نورتین شد: وکیل مبرز فیلم «مردم بر علیه لاری فلینت» فورمن و صاحب منصب نیکخواه فیلم «هر کسی می‌گوید دوست دارم» وودی آلن. اما حضور او در نقش «ریچلی» روان‌نژند، با تغییر عقیده مینگلا و استفاده از «مت دیمن» در این نقش منتهی شد. بعدها دیمن و نورتین در فیلم «قماربازهای حرفه‌ای» جان دال این فرصت را پیدا کردند که همبازی یکدیگر شوند؛ یک دوئل بازیگری، که با برتری نورتین به پایان رسید. نورتین در صحنه پایانی نفس‌گیر پوکر با «نورم» (جان مالکوویچ) نفس‌ر در سینه بینندگان حبس می‌کند. حالا نورتین مبدل به چهره سرشناسی شده بود و فرسنگ‌ها از آن جوان تنهایی که در آپارتمان محقر خود در خیابان هفتاد و هشت نیویورک ساعتها به موسیقی «تبروانا» گوش می‌سپرد، فاصله گرفته بود. نقشهای بزرگتر و تکان‌دهنده‌تر در راه بود: نورتین در نقش «درک وینبارد» در «تاریخ مجهول آمریکا» یک تنه بار فیلم را به دوش می‌کشید و بار دیگر در صف نامزدهای جایزه اسکار قرار می‌گیرد. بی‌شک پس از گذشت چند ماه از تماشای فیلم، برای هر بیننده‌ای صحنه بیادماندنی و نفس‌گیر فیلم، صحنه قتل غافلگیرانه «ادوارد فرانک» در دستشویی مدرسه نیست، بلکه حضور نیم‌برهنه و مرگ‌آفرین وینبارد (این فرشته مرگ سرتراشیده) در صحنه افتتاحیه فیلم در خیابانی خلوت و شب‌زده است. نورتین با فیلمی از فینچر باز می‌گردد تا برده نقره‌ای را به آتش بگشاید. او این بار ایفاگر نقش جک، راوی اشفته و هراسیده آپوکالیپس «باشگاه مبارزه» است.

ادوارد نورتین
و براد پیت در
صحنه‌ای از
باشگاه مبارزه



نورتین با منتقدان و روزنامه‌نگاران میانه‌چندان خوبی ندارد. سابقه درگیری نورتین با اهالی مطبوعات به چند سال پیش برمی‌گردد، زمانی که کمپانی نیولاین به‌خاطر عدم توانایی تونی کی در انجام تدوینی مناسب بر فیلم «تاریخ مجهول آمریکا»، مسئولیت این امر را بر عهده نورتین گذاشت. تونی کی در مصاحبه‌ای با مجله «مووی لاین» حمله سختی به نورتین کرد و او را «بچه‌لوس نازی‌پرونده هالیوود» خطاب کرد. نورتین جوابیه‌ای مفصل برای کی نوشت، اما مووی لاین تنها حاضر به چاپ قسمتی از این جوابیه شد و خشم نورتین را برانگیخت. کی پس از انتشار خبر درگیری لفظی و رابطه پرتنش نورتین با دیوید فینچر، در پشت صحنه «باشگاه مبارزه» بار دیگر اعلام کرد که نورتین چیزی بیشتر از یک آدم خودشیفته عوضی (narcissitic asshole person) نیست. البته فینچر و نورتین ظاهراً به خوبی و خوشی با هم آشتی کردند و تا پایان فیلمبرداری «باشگاه مبارزه» اختلافی پیدا نکردند. اما فینچر بعدها با توصیف نورتین به عنوان «بازیگری جاه‌طلب که در مورد حد و حدود بلندی‌پروازی‌ش، دچار سوءتفاهم هولناکی شده»، نشان داد که همچنان از او دل‌چرکین است. نورتین در دفاع از خود در مصاحبه‌ای چنین گفت: «من یک بازیگرم و خودم را موظف می‌دانم به عنوان یک دراماتیک‌نیز درگیر کار بشوم. من نمی‌توانم صاف بایستم و بینم فیلمنامه‌نویس چه دیالوگهایی را برای من خلق کرده و کارگردان چه حرکات و رفتاری را از من می‌خواهد. خوب می‌دانم کارگردانهای بزرگ مطمئناً این حرف مرا می‌پذیرند و از آن استقبال می‌کنند.» نورتین در سال ۹۷ پیشنهاد بازی در دو پروژه جنگی - نجات سرباز رایان (نقشی که مجدداً به مت دیمن تعلق گرفت) و خط باریک سرخ - را رد کرد تا در کمدی رمانتیک «حفظ

بازیگری
به زعم من، یک
دنیای خاص،
فلم‌رویی از جنس
خیال و رویا است.
مارلون بازیگر
بزرگی است، اما
من خودم خوب
می‌دانم که او از
تعبیراتی مثل
بزرگترین بازیگر
عالم سست است و
ناستورده فناپذیر
هالیوود که در
موردش بکار
می‌برند، مخالف
بهم می‌خورند.

ایمان» بازی کند (مادر او که یک شیفته واقعی کمدی رمانتیک‌های کلاسیک بود، در همان سال بر اثر ابتلا به سرطان درگذشت و نورتین که یکی از تهیه‌کنندگان فیلم بود، این اثر را به او تقدیم کرد).

«فیلمنامه عالی، کارگردان عالی، تیم بازیگری عالی»: نورتین با لبخندی دلپذیر این پاسخ را در برابر پرسش خبرنگاران مبنی بر علت حضورش در «امتیاز» (Score) با دستمزدی پایین‌تر از حد معمول ادا کرد. او اضافه کرد: «در مطبوعات بعضاً چیزهای چرندی خواندم؛ این که مثلاً من می‌خوانسم در مقابل دو غول بازیگری هالیوود قدرت‌نمایی کنم و از این چرندیات، من اصلاً و ابداً به این حرفها اهمیتی نمی‌دهم. بازیگری یک رقابت نیست، یک مسابقه نیست. بازیگری به‌زعم من، یک دنیای خاص، فلم‌رویی از جنس خیال و رویا است. مارلون بازیگر بزرگی است، اما من خودم خوب می‌دانم که او از تعبیراتی مثل «بزرگترین بازیگر عالم سینما» و «استورده فناپذیر هالیوود» که در موردش بکار می‌برند، حالش بهم می‌خورد. من به براندو و دونیرو احترام می‌گذارم، اما مرعوب آنها نیستم و قصد خودنمایی ندارم.»

نورتین سپس با لبخندی افزود: «ما راستش را بخواهید، پیشنهاد هم‌بازی شدن با دون وینوکورلونه از آن پیشنهادهایی بود که جداً نمی‌شد ردش کرد.» (دونیرو در پدرخوانده ۲ نقش جوانی دن کورلونه را بازی می‌کند و جمله نورتین در این جا

باعث شد که دیگه نتون نور خورشید روز بعد رو ببینم.» یا این کنایه‌ای به شخصیت حرفه‌ای و کارنامه بازیگری برانندو است؟ کسی نمی‌داند. بهرحال این گونه که می‌توبند. دیالوگ‌های این صحنه کلاً نوشته خود نورتن است. «فرانک از»، کارگردان فیلم معتقد است که نورتن یک انتخاب طبیعی و منطقی به عنوان خلع سوم منلت و مکمل برانندو و دونیرو است. وی می‌گوید: «این سه بازیگر در چند نکته مشترکند: به طرز هولناکی غیرقابل پیش‌بینی‌اند... به طرز وحشتناکی سرکش هستند... به طرز رعب‌آوری جاه‌طلب و بلندپروازند و به طرز دلپذیری روی برده سینما تماشایی‌اند.» و در باره نورتن اضافه می‌کند «او همان ابتدا به من گفت که از کلیت فیلمنامه خوشش آمده اما مایل است برخی دیالوگها را عوض کند.» فیلمنامه اصلی را «کاریوسلیم» نوشته بود و لیم دابس و اسکات مارشال اسمیت آن را بازنویسی کرده بودند و در نهایت بازنویسی چند دیالوگ نورتن، تبدیل به تغییر کلی شخصیتی شد که او قرار بود نقشش را ایفا کند. در فیلمنامه اصلی «نیک» یک شخصیت آب‌زیرکاه و موش‌مرده است، آدمی که در نظر اول، شخصیت از پیش‌باخته تام کروزر در رنگ پول را به ذهن متداعی می‌کند، اما در فیلم، نیک شخصیتی است بی‌رحم، گستاخ و بی‌پروا که خشونت را با خشونت پاسخ می‌دهد.

نورتن همچنین صحنه گفت‌وگوی دونفره خود با دونیرو را که ذکرش در بالا رفت، به فیلمنامه افزود. خود او مدعی است که مصاحبه‌ای که از دونیرو در شانزده سالگی خوانده، الهام‌بخش او در نوشتن این صحنه بود. «دوست ندارم مرا دونیروی جدید سینما خطاب کنند، اما اعتراف می‌کنم که به نظم و انضباط حرفه‌ای درخشان و طولانی دونیرو فکر می‌کنم. به کارنامه حرفه‌ای درخشان و طولانی دونیرو فکر می‌کنم. اعتماد به نفسم را به شدت از دست می‌دهم. او در کارهای متفاوت، نقشهای متفاوت و غیرمعارف ایفا کرده است. بعضی وقتها با خودم فکر می‌کنم: راستی جداً نقش درخشانی باقی مانده که دونیروی کبیر آن را در زیباترین شکل ممکن ایفا نکرده باشد؟»

نورتن در مورد همکاری‌اش با برانندو نیز چنین می‌گوید: «بامزه و فراموش‌نشده بود... خاطرم هست یک بار به او یک قسمت از سریال «سیمپسن‌ها» را نشان دادم، همان قسمتی که «مارج» قرار است در نسخه موزیکال «نوبوسی به نام هوس» بازی کند. او جداً از مشاهده این اپرای صابونی چرند لذت برد. نمی‌دانید مارلون با چه لذتی این قبیل چرندیات را می‌بیند و قهقهه می‌زند. برانندو تا حد ممکن از بحثهای جدی اجتناب می‌کند. اصلاً فکر نمی‌کنم در این دنیا هیچ چیزی را جدی بگیرد... خوش به حالش! «برانندو» دیوژن هالیوود است.» پروژه بعدی نورتن، حضور در نقش «لسن راکفلر» - میلیاردر افسانه‌ای آمریکا - است. در این فیلم که فیلمنامه آن براساس کتاب شرح حال نگارانه مفصل «فرید کاهلو» نگاشته شده و کارگردانی‌اش بر عهده جولی نایمور است، نورتن با عشق سالهای اخیرش - سلما هابک - هم‌بازی است. و برای آینده؟! نورتن امیدوار است که بتواند همچنان تنها در پروژه‌هایی متفاوت و نو ایفای نقش کند: «اگر روزی برسد که دیگر هیچ نقشی مرا به هیجان نیاورد، ترجیح می‌دهم شغل شریف پدربزرگم را ادامه بدهم... بستنی‌فروشی!»



اشاره‌ای به یک جمله کلاسیک آل پاچینو در پدخوانده است: «پدرم به او پیشنهادی کرد که نتوانست رد کند... قرارداد را پیش روی طرف گذاشت و گفت: یا باید امضایت زیر این قرارداد باشد یا مغزت.»

در تریلر «امتیاز» که وقایع آن در مونترال می‌گذرد، دونیرو در نقش دزد سابقه‌داری به نام چک ظاهر می‌شود که قرار است با همدستی سارق جوان و جاه‌طلبی به نام نیک (ادوارد نورتن) به گمرک کانادا دستبرد بزند. در یکی از صحنه‌های کلیدی فیلم، که نیک سعی دارد ارزش نظم و انضباط را به چک سرخورده و سلخته بفهماند، وقتی چک از استعدادهایش در این پیشه حرف می‌زند نیک پاسخ می‌دهد: «توی این حرفه، آدمهای زیادی آخر استعداد و تیوغ بودن، اما بی‌نظمی و سهل‌انگاریشون



ادوارد نورتن
در کنار رابرت دونیرو و
مارلون برانندو
در فیلم امتیاز

ادوارد نورتن و
رابرت دونیرو
در فیلم
امتیاز

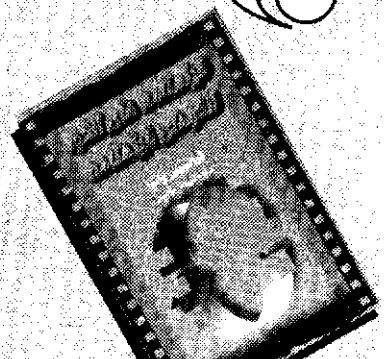
کانون اندیشه پیشرو همش های سینما با همکاری انتشارات سروش منتشر کرد:



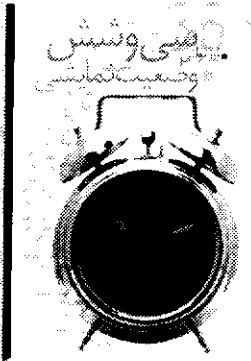
نگارش فیلمنامه کوتاه
ویلیام اچ. فیلیپس
ترجمه عباس اکبری
قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال



روایت در فرهنگ عامیانه
رسانه و زندگی روزمره
آرتور آسپرگر
ترجمه محمد رضا لیراوی
قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال



فیلمنامه های الگو:
الگوهای فیلمنامه
فرانسیس وانها
ترجمه داریوش مؤدبیان
قیمت: ۱۳۰۰۰ ریال



سی و هشت وضعیت نمایشی
زوزی پولتی
ترجمه سیدجمال آل احمد عباس بیاتی
قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال



فیلمنامه همزه سیدالشهدا
عباس اکبری
قیمت: ۶۵۰۰ ریال



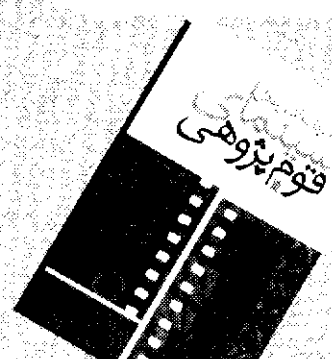
تاریخ سینمای مستند
اریک بارنو
ترجمه امجد ضابطی مهرمی
قیمت: ۳۷۰۰۰ ریال



فیلمنامه مدرسه
دیوید سلف
ترجمه فاطمه کرمانعلی پریسا اکبریان
قیمت: ۵۵۰۰ ریال



مشث در نمای درشت
(معانی و بیان در ادبیات و سینما)
سیدمسن مسینی
قیمت: ۱۱۰۰۰ ریال



سینمای قوه پژوهی
شهاب الدین عادل
قیمت: ۱۱۵۰۰ ریال

مرکز پخش: مجتمع فرهنگی سروش، معاونت بازرگانی تلفن: ۶۴۰۴۲۵۵